

وادی عشق

نغمه جلالی‌نژاد

پرونده
ویژه

اشاره:

در طول چهارده قرن که از اسلام می‌گذرد، شعرای متعددی با زبان ماندگار شعر در مدح و ثنای اهل بیت علیهم‌السلام خصوصا در رابطه با حماسه عاشورای حسینی و مظلومیت های اهل بیت علیهم‌السلام به سرودن شعر پرداخته و به نشر فضایل و مناقب ائمه معصومین علیهم‌السلام در قالب شعر جامع عمل پوشانده‌اند. در این مطلب قصد داریم شما را با چند تن از پیش‌کسوتان و پیر غلامان این عرصه آشنا کنیم. کسانی که سال‌هاست بار سفر آخرت را بسته و راهی شده‌اند، اما بعد از گذشت سال‌ها، هنوز هم مرثیه‌هایشان گرمی‌بخش مجالس عزاداری نارالیه است.

کمال‌الدین علی محتشم کاشانی

صاحب «خلاصه‌الاشعار»، صرفی ساوجی، وحشتی جوشقانی و حسرتی کاشانی را پرورش داد. محتشم با سرودن دوازده بند در مرثیه کشتگان کربلا که بند اول ترکیب بند معروفش با بیت «باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟ / باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟» آغاز می‌شود، مقام والایی در مرثیه‌سرایی ایران کسب کرد و این ترکیب‌بند محتشم بود که شهرت بسیاری به دست آورد.

محتشم کاشانی در ربیع الاول سال ۶۹۹ هجری در شهر کاشان درگذشت. مجموعه آثار این شاعر بزرگ عصر صفوی، پس از مرگش، توسط یکی از شاگردانش در شش کتاب جمع شد، که مشتمل بر غزلیات، قصاید، قطعات، رباعیات، مثنویات، و ترکیب‌بندهای اوست.

باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟
باز این چه رستخیز عظیم است؟ کز زمین
بی نفخ صور، خاسته تا عرش اعظم است
این صبح تیره باز دمید از کجا؟ کزو
کار جهان و خلق جهان جمله درهم است
گویا، طلوع می‌کند از مغرب آفتاب
کاشوب در تمامی ذرات عالم است
گر خوانمش قیامت دنیا، بعید نیست
این رستخیز عام، که نامش محرم است
در بارگاه قدس که جای ملال نیست
سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است
جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند
گویا، عزای اشرف اولاد آدم است

محتشم کاشانی از مهمترین شاعران و مرثیه‌سرایان شیعه بود. او که به لقب شمس الشعرا کاشانی نیز مشهور است، در آغاز سده ده هجری و هم‌دوره با پادشاهی شاه طهماسب صفوی در کاشان متولد شد و بیشتر دوران زندگی خود را در این شهر گذراند. در نوجوانی به مطالعه علوم دینی و ادبی معمول زمان خود پرداخت و اشعار شعرای قدیمی ایران را به دقت مورد بررسی قرارداد. همان موقع بود که به دربار شاه طهماسب صفوی راه یافت و به مناسبت قصیده و غزل‌های زیبایش مورد لطف شاه قرار گرفت و پس از مدتی در زمره شعرای معروف عصر خود جای گرفت. اما به دلیل اعتقادات دینی خود و احساسات شیعی دربار شاهان صفوی که در صدد تقویت این مذهب (در مقابل مذاهب اهل سنت) بودند، به سرودن اشعار مذهبی و مضامین اهل بیت که در نوع خود تازه و بی‌بدیل بود پرداخت.

محتشم پس از مدت کوتاهی به یکی از بزرگ‌ترین شعرای ایران در سبک اشعار مذهبی و مضامین ائمه اطهار شیعه بدل شد و اشعارش در سراسر ایران مطرح شد. به طوری که می‌توان وی را معروف‌ترین شاعر مرثیه‌سرایی ایران دانست که برای اولین بار سبک جدیدی در سرودن اشعار مذهبی را پایه‌گذاری کرد.

اولین اشعار مذهبی محتشم در سوگ غم مرگ برادرش بود که ابیات زیبایی در غم هجر برادرش سرود و پس از آن به سرودن مرثیه‌هایی در واقعه جانسوز کربلا، عاشورای حسینی و مصیبت نامه‌های مختلف پرداخت.

فنون شاعری را از صدقی استرآبادی، فرا گرفت و خود شاگردانی مانند تقی‌الدین محمد حسینی

حاج ملا حسین مولوی

حاج ملا حسین مولوی، یکی از بزرگ مداحانی به شمار می‌رود که تمام عمرش را وقف معصومین علیهم‌السلام کرده بود و به نام شیخ الشعرا مشهور بود.

حاج ملا حسین در شهر قم، محله چهل اختران به دنیا آمد. از دوران کودکی نزد شیخ غلام حسین کرمانشاهی مشغول یادگیری قرآن شد. همزمان با یادگیری مفاهیم قرآنی در مکتب‌خانه نیز درس می‌خواند. از همان دوران علاقه زیادی به مداحی و شاعری داشت و در سنین نوجوانی نزد میرزا ابوالفضل زاهدی تفسیر قرآن را فرا گرفت.

شغل اصلی‌اش آسیابانی بود و زندگی ساده و بی‌آلایشی داشت. ملا حسین مولوی بدون داشتن استادی برای مداحی، شروع به مداحی و سرودن اشعاری در ذکر مصیبت‌های معصومین کرد. بدون وضو شعری نمی‌سرود و در مجلسی شرکت نمی‌کرد. هرگز مبالغی که از راه مداحی به دست می‌آورد نمی‌شمرد و اکثر مبالغ را بدون شمارش به مستمندان می‌بخشید.

وقتی از ایشان سؤال می‌شد که «چرا مبالغی را که از راه مداحی به دست می‌آوری را نمی‌شماری؟» پاسخ می‌داد: «هفتاد سال است که حنجره‌ام را در خدمت حضرت زهرا و فرزندان‌ش گذاشته‌ام، چطور می‌توانم در مقابل آن مبلغی دریافت کنم و آن را بشمارم؟!»

شاگردان زیادی داشت که هر کدام بعد از سال‌ها همجواری با استاد جزء بهترین شاعران و مداحان قرار گرفتند. مرحوم آقای ستایشگر، آقای کوچک‌زاده، میرزا علی‌اخباری، میرزا محمود مولوی، آقای عاصی، آقای شمس، آقای زنگی، آقای باقری، آقای حسن‌اخباری، آقای سازگار، آقای حیدرزاده، آقای مالکی از جمله کسانی بودند که در محضر حاج ملا حسین مولوی فنون شاعری و مداحی را آموختند.

حاج ملا حسین، چند روز قبل از فوت به خانه یکی از

دوستانش به نام آقای کاشانی می‌رود و می‌گوید: من را حلال کن. من دیگر به این‌جا نمی‌آیم.

آقای کاشانی با خودش فکر می‌کند: شاید فردی از خانواده سخنی گفته باشد که حاج ملا حسین ناراحت شده باشد. به همین دلیل با نگرانی می‌پرسد: کسی به شما چیزی گفته که شما ناراحت شده‌اید؟

حاج ملا حسین می‌گوید: این روزها روزهای آخر زندگی من است. من از کسی ناراضی نیستم، از خانواده محترم‌تان هم بخواهید تا من را حلال کنند. بعد از چند روز در تیرماه سال ۲۷ به منزل آقای دکتر نیک‌پور می‌رود. نماز مغرب را برگزار می‌کند و بین دو نماز در حالی که مشغول ذکر تسبیحات حضرت زهرا علیها‌السلام بودند از دنیا می‌رود.

آیت الله بهجت با شنیدن فوت ملا حسین می‌فرماید: جنازه ایشان را نگه دارید و در روز پنجشنبه به خاک بسپارید. وی در شهر قم، قبرستان شیخان در خانه ابدی به خاک سپرده می‌شود.

حاج ملا حسین در حالی که اشعار بسیار زیادی را در طول زندگی سروده بود، هیچ کدام از آن‌ها را روی کاغذی ننوشت و آثاری از وی به چاپ نرسید. تنها چند نمونه از اشعار گهربار ایشان در کتابی که به دست محمد جواد مولوی‌نیا منتشر شده، به یادگار باقی ماند.

تو قتیل العبراتی، شه لب تشنه حسینم

کشتی بحر نجاتی شه لب تشنه حسینم

به تولای تو من دل خوش و شادم به دو عالم

همه لطف و برکاتی، شه لب تشنه حسینم

دست حاجت ببرم جز به در کعبه کویت

تو مجیب الدعواتی، شه لب تشنه حسینم

قدسیان فخر به دریانی کوی تو نمایند

چه رفیع الدرجاتی، شه لب تشنه حسینم

گر ولای تو نباشد چه صیامی چه صلواتی؟

معنی صوم و صلواتی، شه لب تشنه حسینم

با وجودیکه تو هستی پسر ساقی کوثر

تشنه آب فراتی، شه لب تشنه حسینم

پرونده
ویژه

چهار

۲۱

ش ۱۳۴

